

مسئولیت کیفری مؤسسه‌های اعتباری در حقوق ایران

محمدجعفر حبیب‌زاده*

محمود صابر**

حسین سمیعی زنوز***

چکیده

متعاقب شناسایی مسئولیت کیفری به صورت عام برای اشخاص حقوقی در قانون مجازات مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مؤسسات اعتباری نیز به عنوان اشخاص حقوقی، تحت شرایط مقرر قانونی، واجد مسئولیت کیفری خواهند بود؛ لیکن جایگاه بی‌بدیل مؤسسات اعتباری در تعالی یا اضمحلال اقتصاد یک کشور، اقتضای قانون‌گذاری ویژه و متمایز از سایر اشخاص حقوقی در حوزه مسئولیت کیفری مؤسسات مذکور را دارد. پذیرش مسئولیت کیفری برای مؤسسات اعتباری به عنوان اشخاص حقوقی، همراه با این پرسش اساسی است که شرایط تحقق مسئولیت کیفری و معیار انتساب این مسئولیت به مؤسسات اعتباری به عنوان اشخاص حقوقی چیست. ضابطه نمایندگی به عنوان معیار انتساب مسئولیت کیفری به مؤسسات اعتباری به عنوان اشخاص حقوقی، در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد پذیرش قرار گرفته است. لیکن با عنایت به نقایص این نظریه از جمله دشواری شناسایی اشخاص حقیقی مقصر و پیچیدگی ساختار مؤسسات اعتباری، پذیرش نظریه مسئولیت سازمانی با فلسفه شناسایی مسئولیت کیفری برای مؤسسات اعتباری به عنوان اشخاص حقوقی و همچنین عدالت و انصاف قضایی سازگارتر است. در عین حال، تحمیل مسئولیت کیفری بر مؤسسات اعتباری مستلزم تحقق شرایطی است، از جمله آنکه «نماینده قانونی» مؤسسه اعتباری، «به نام» یا «در راستای منافع» مؤسسه اعتباری مرتکب جرم شود.

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) Habibzam@modares.ac.ir

** عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس M.saber@modares.ac.ir

*** دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و بازپرس دادرسی رسیدگی به جرایم پولی و بانکی تهران

H.samie1987@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۲۲

مفهوم نماینده قانونی مؤسسه اعتباری، زمان پیدایش شخصیت حقوقی مؤسسات اعتباری دولتی و غیردولتی و شرایط تحمیل مسئولیت کیفری بر این مؤسسات، همگی دارای ابهاماتی است که تحلیل نقادانه آنها مورد اهتمام این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها: مؤسسه اعتباری، مسئولیت کیفری، شخصیت حقوقی، اعمال تصدی، عملیات بانکی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دستیابی به رشد بلندمدت و مستمر اقتصادی نیازمند تجهیز و تخصیص منابع پولی در سطح اقتصاد ملی است و این مهم بدون کمک بازارهای مالی امکان پذیر نیست. بازار مالی، بازار رسمی و سازمان یافته‌ای است که در آن عملیات انتقال وجوه از افراد و واحدهایی که با مازاد منابع مالی مواجه هستند، به افراد و واحدهای متقاضی منابع صورت می‌پذیرد. تأثیر مثبت و انکارناپذیر بازار مالی بر رونق تولید و رشد بخش خصوصی اقتصاد بر کسی پوشیده نیست.^۱ بازارهای مالی کشور دربرگیرنده بازار پول، بازار سرمایه و بازار بیمه هستند. بازار پول، بازار مطالبات کوتاه مدت است و برای تأمین مالی عملیات تولیدی و تجاری پیش‌بینی نشده به کار می‌رود.^۲ «مؤسسه‌های اعتباری»،^۳ مهم‌ترین کنش‌گران فعال در بازار پول هستند.

در نظام اقتصادی ایران، به دلیل عدم کارایی مطلوب بازار سرمایه، نظام مالی کشور به شدت بانک‌محور بوده و تأسیس کارخانه‌ها و رونق تولید در کشور تا حدود زیادی وابسته به تسهیلات بانکی است؛ لیکن بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری به همان میزان که نقشی تأثیرگذار و سازنده در اقتصاد یک کشور دارند، در صورت عدم نظارت و انحراف از مسیر صحیح، زمینه‌ساز اضمحلال نظام اقتصادی و حتی براندازی نظام سیاسی در یک کشور خواهند بود. به دلیل نقش حیاتی مؤسسه‌های اعتباری و به طور خاص بانک‌ها در اقتصاد یک کشور، قانون‌گذار برخی الزامات و محدودیت‌ها را خارج از مقررات حقوق تجارت، بر مؤسسه‌های اعتباری به عنوان شرکت‌های تجاری، تحمیل کرده است. در حالی که اعمال چنین محدودیت‌هایی در خصوص سایر شرکت‌های تجاری بی‌سابقه است. به عنوان مثال در حالی که شرکت‌های تجاری در هر یک از قالب‌های هفت‌گانه ماده ۲۰ قانون تجارت امکان ثبت و فعالیت دارند، مؤسسه اعتباری غیردولتی به عنوان یک شرکت تجاری، به موجب ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تنها در قالب

۱. رشیدی، مهدی، بانکداری بین‌المللی (۱)، چاپ نهم، مؤسسه آموزش عالی بانکداری ایران، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۵.

۲. سلطانی، محمد، حقوق بانکی، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۹۰، ص. ۱۷.

۳. با عنایت به اشتغال مؤسسات اعتباری به عملیات بانکی و نظر به تعریف عملیات بانکی در ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳، «مؤسسات اعتباری» را باید ناظر به کلیه نهادهایی دانست که به موجب قانون یا با مجوز بانک مرکزی به واسطه‌گری میان عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه و اعتبار و یا ارائه خدمات بانکی مشغول هستند. بنابراین بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری، شرکت‌های تعاونی اعتبار و صندوق‌های قرض‌الحسنه، همگی داخل در مفهوم مؤسسه اعتباری بوده و مسئولیت‌گیری آنها در این نوشتار مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد.

شرکت سهامی عام و شرکت تعاونی سهام عام، امکان ثبت، تأسیس و فعالیت دارد. در حالی که محدودیتی برای میزان مالکیت سهام شرکت‌های سهامی توسط یک شخص وجود ندارد، لیکن مقرره اخیرالذکر، سقف مجاز تملک سهام بانک‌ها یا مؤسسه‌های اعتباری غیردولتی را برای هر شرکت سهامی عام یا هر مؤسسه و نهاد عمومی غیردولتی، ۱۰٪ و برای اشخاص حقیقی و سایر اشخاص حقوقی، ۵٪ تعیین کرده است و معامله بیش از سقف‌های مجاز مذکور را باطل و بلااثر اعلام نموده است. در واقع نقش حساس مؤسسه‌های اعتباری در عرصه اقتصاد کشور، اقتضای قانون‌گذاری ویژه و منحصر به فرد در خصوص مؤسسه‌های اعتباری متمایز از سایر اشخاص حقوقی را دارد. بر خلاف سایر اشخاص حقوقی، ارتکاب جرایم از سوی مؤسسه‌های اعتباری، بیش از آنکه ناشی از قصور فردی باشد، ناشی از قصور سیستمی و معلول فرهنگ سازمانی معیوب و مجرمانه حاکم بر مؤسسه اعتباری است. در فرضی که یک مؤسسه اعتباری با هزاران شعبه در سطح کشور، مرتکب بزه رباخواری می‌گردد، چگونه می‌توان شخص یا اشخاص حقیقی مقصر و مجرم را شناسایی کرد؟ آیا جز این است که ارتکاب جرایم از سوی مؤسسه اعتباری، بیش از آنکه معلول قصور اشخاص حقیقی تشکیل‌دهنده آن باشد، محصول، قصور سیستمی و فرهنگ سازمانی مجرمانه حاکم بر مؤسسه اعتباری است؟ در همین راستا، نگارنده درصدد تبیین مسئولیت کیفری مؤسسه‌های اعتباری، متمایز از سایر اشخاص حقوقی برآمده است.

غیرمجاز بودن فعالیت بخش عمده‌ای از مؤسسه‌های اعتباری در کشور و جرم‌انگاری اشتغال غیرمجاز به عملیات بانکی در قوانین داخلی، حجم عظیم نقدینگی موجود در مؤسسه‌های اعتباری و فراهم بودن بستر ارتکاب جرایم مالی با مقیاس کلان، لزوم مذاقه بیشتر دولت و سهام‌داران مؤسسه‌های اعتباری در انتخاب مدیران و پیچیدگی ساختار بانک‌ها و عدم امکان شناسایی اشخاص حقیقی مقصر و همچنین فرهنگ سازمانی جرم‌زای حاکم بر مؤسسه‌های اعتباری، ضرورت پذیرش مسئولیت کیفری مؤسسه‌های اعتباری و تحمیل مجازات بر آنها را بیش از گذشته در کانون توجه قرار داده است.

طبع فردگرایانه قوانین کیفری، مانع از آن بود که قانون‌گذار ایرانی به صراحت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به صورت کلی قبل از سال ۱۳۹۲ پیش بینی نماید. هرچند در قوانین قبل و پس از انقلاب، مواردی از مجازات اشخاص حقوقی به چشم می‌خورد که تداعی‌گر پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی توسط

قانون‌گذار بود.^۱ با این حال، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، به صورت کلی، برای نخستین بار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به رسمیت شناخته شد. طبیعی است که امکان تحمیل مسئولیت کیفری بر مؤسسه‌های اعتباری نیز به عنوان اشخاص حقوقی وجود دارد. در جرایمی نظیر تأسیس غیرمجاز بانک یا مؤسسه اعتباری و استفاده غیرمجاز از نام بانک توسط مؤسسه‌های اعتباری،^۲ اشتغال غیرمجاز به عملیات بانکی،^۳ پولشویی،^۴ رباخواری^۵ و اخلاف در نظام اقتصادی کشور،^۶ مسئولیت کیفری بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری بیش از دیگر جرایم متجلی است. نوشتار حاضر درصدد آن است که ضمن شناسایی مبانی مسئولیت کیفری مؤسسه‌های اعتباری، مصادیق مسئولیت آنها در نظام عدالت کیفری ایران را تبیین نماید. □

۱. مبانی شناسایی مسئولیت کیفری مؤسسه‌های اعتباری

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی برای نخستین بار به صورت عام در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به رسمیت شناخته شد. ماده ۱۴۳ قانون مذکور اشعار می‌دارد: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی، به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.»

نقش حیاتی و حساس مؤسسه‌های اعتباری در رونق تولید در کشور و تعالی اقتصاد یک کشور، از طریق تأمین مالی واحدهای تولیدی، موجب تمایز آنها از سایر نهادهای اقتصادی شده است. در عین حال، به همان میزان که مؤسسه‌های اعتباری، نقشی سازنده در رونق تولید و تعالی اقتصاد یک کشور دارند، عدم نظارت بر مؤسسه‌های اعتباری و شیوع فساد اقتصادی در مؤسسه‌های اعتباری، با عنایت به گستره وسیع سپرده‌گذاران یک

۱. ماده ۴ قانون مربوطه به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴، ماده ۱۲ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ و ماده ۶ قانون الزام شرکت‌ها و مؤسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه مصوب ۱۳۶۸، مهم‌ترین قوانینی هستند که به صورت غیرمستقیم و موردی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مورد پذیرش قرار داده‌اند.
۲. موضوع بند ب ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱.
۳. موضوع تبصره ۴ ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳.
۴. موضوع ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶.
۵. موضوع ماده ۵۹۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.
۶. موضوع بندهای «الف» و «ه» ماده ۱ قانون مجازات اخلاف‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹.

مؤسسه اعتباری از آحاد مختلف جامعه و حجم وسیع نقدینگی موجود در مؤسسه‌های اعتباری، موجب اضمحلال نظام اقتصادی یک کشور خواهد شد. بنابراین واکنش کیفری و قهرآمیز دستگاه عدالت کیفری به عملیات مجرمانه مؤسسه‌های اعتباری از مجرای شناسایی مسئولیت کیفری برای آنها به عنوان اشخاص حقوقی، به منظور پیشگیری از بروز پیامدهای ناگوار فوق و تحمیل هزینه‌های گزاف به جامعه، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

دشواری احراز عنصر روانی جرم در مؤسسه‌های اعتباری، عدم امکان اعمال اغلب مجازات‌های معمول علیه مؤسسه‌های اعتباری و نقض اصل شخصی بودن مجازات‌ها، پذیرش مسئولیت کیفری مؤسسه‌های اعتباری را همواره با تردیدهای جدی مواجه نموده است. هرچند با عنایت به محدودیت‌های موجود، مجال کافی برای پاسخ به تردیدها و ایرادات فوق در این نوشتار فراهم نیست، با این حال در خصوص چرایی پذیرش مسئولیت کیفری مؤسسه‌های اعتباری می‌توان دلایلی به شرح ذیل ارائه نمود.

۱-۱. دشواری شناسایی اشخاص حقیقی مقصر

ساختار مؤسسه‌های اعتباری به اندازه‌ای پیچیده است که در برخی موارد، یافتن شخص یا اشخاص حقیقی مقصر بسیار دشوار است. در چنین حالتی علت اصلی ارتکاب جرم را باید در سیاست و خط‌مشی سازمانی خود مؤسسه اعتباری جست‌وجو کرد. به عنوان مثال در فرضی که یک مؤسسه اعتباری با هزاران شعب در سطح کشور، در مقیاس گسترده، مرتکب پولشویی یا رباخواری می‌گردد، با عنایت به تقسیم مسئولیت میان سهام‌داران و شعب متعدد مؤسسه اعتباری در سطح کشور، یافتن مدیران و کارمندان مقصر بسیار دشوار است. در واقع قصور سازمانی و خط‌مشی‌های مجرمانه مؤسسه اعتباری، اقتضای تعقیب کیفری مؤسسه اعتباری به عنوان شخصیتی مستقل از مدیران و اعضای تشکیل‌دهنده آن را دارد. ضمن آنکه مسئولیت کیفری مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی، مانع از تعقیب کیفری مدیران و اعضای تشکیل‌دهنده مؤسسه اعتباری به عنوان اشخاص حقیقی نخواهد بود.

۱-۲. افزایش دقت در انتخاب مدیران و تشدید نظارت بر آنها

پذیرش مسئولیت کیفری برای مؤسسه‌های اعتباری، موجب افزایش حساسیت و دقت سهام‌داران در انتخاب مدیران مؤسسه اعتباری خواهد شد که نهایتاً منتهی به

افزایش نظارت اعضا و سهام‌داران بر تصمیمات و اقدامات مدیران و کاهش جرایم ارتكابی توسط مؤسسه‌های اعتباری می‌گردد. به عنوان مثال اگر سهام‌دار یک مؤسسه اعتباری احتمال دهد که در نتیجه ارتكاب جرم در مؤسسه اعتباری مربوطه، مجازات‌هایی همچون جزای نقدی و مصادره کل اموال در انتظار مؤسسه اعتباری خواهد بود که وی سهام‌دار آن می‌باشد، اتلاف سهام خود و وجوه نقدی را که در مؤسسه اعتباری سرمایه‌گذاری کرده است، محتمل خواهد دید و نهایت دقت و تلاش خود را در انتخاب مدیران شایسته به کار خواهد گرفت و پس از انتخاب مدیران نیز بر تصمیمات و اقدامات آنان نظارت خواهد کرد. چه آنکه اراده مؤسسه اعتباری بازتابی از اراده جمعی مدیران و نهادهای تصمیم‌ساز شرکت است.

۳-۱. آگاه‌سازی اشخاص ثالث

پذیرش مسئولیت کیفری برای مؤسسه‌های اعتباری به اشخاص ثالث یادآوری می‌نماید تا در سپرده‌گذاری در مؤسسه‌های اعتباری که دارای سابقه محکومیت کیفری هستند، احتیاط بیشتری به خرج دهند. بدیهی است درآمدزایی مؤسسه‌های اعتباری و به نوعی ادامه حیات آنها، در گروی اعتماد عمومی مردم به آنها به منظور سپرده‌گذاری است. حال زمانی که این اعتماد در نتیجه اطلاع از سوابق کیفری یک مؤسسه اعتباری به سستی می‌گراید، واکنش مردم، اجتناب از سپرده‌گذاری در چنین مؤسسه اعتباری و انتقال سپرده‌های خود به سایر مؤسسه‌های اعتباری می‌باشد. پیش‌بینی انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها به عنوان یکی از مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی از جمله مؤسسه‌های اعتباری در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در راستای آگاه ساختن عموم مردم از سوابق کیفری مؤسسه‌های اعتباری به منظور تنظیم روابط تجاری و بازرگانی خود با آنها است.

۴-۱. جبران مطلوب ضرر و زیان وارد بر بزه‌دیدگان

در صورت پذیرش مسئولیت کیفری مؤسسه‌های اعتباری و الزام آنها به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم، بزه‌دیدگان و مال‌باختگان از بخت بیشتری برای جبران ضرر و زیان وارده بر خود برخوردارند. حالتی را فرض کنیم که یک مؤسسه اعتباری پس از ثبت در اداره ثبت شرکت‌ها و بدون اخذ مجوز فعالیت از بانک مرکزی، از طریق تبلیغات موهوم، اقدام به اخذ وجوه کلان از مردم به صورت قبول سپرده کرده و برخی مدیران آن پس از مدتی، همراه با وجوه مأخوذه متواری می‌شوند. در این صورت با عنایت به کلان بودن وجوه دریافتی و عدم امکان جبران ضرر و زیان وارده به

سپرده‌گذاران به علت فرار، اعسار یا ورشکستگی مؤسسان و مدیران مؤسسه اعتباری مربوطه، بهترین راهکار به منظور جبران ضرر و زیان وارده به سپرده‌گذاران در فرضی که دارایی مؤسسه اعتباری تکافوی پرداخت تمام یا بخشی از ضرر و زیان ناشی از جرم را می‌نماید، پذیرش مسئولیت کیفری برای مؤسسه اعتباری و توقیف اموال متعلق به مؤسسه اعتباری به عنوان یک شخص حقوقی مستقل از مدیران و اعضای تشکیل‌دهنده آن می‌باشد.

۲. انتساب مسئولیت کیفری به مؤسسه‌های اعتباری به عنوان اشخاص حقوقی

در این قسمت، سازوکار انتساب مسئولیت کیفری به مؤسسه‌های اعتباری و شرایط تحمیل مسئولیت کیفری به مؤسسه‌های اعتباری مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۱. سازوکار انتساب مسئولیت کیفری به مؤسسه‌های اعتباری

پس از تبیین ضرورت شناسایی مسئولیت کیفری برای مؤسسه‌های اعتباری به عنوان اشخاص حقوقی، گام بعدی، تحلیل چگونگی ارتکاب ارکان مادی و معنوی جرم توسط مؤسسه‌های اعتباری و انتساب مسولیت کیفری به آنها به عنوان اشخاص حقوقی است؛ چه آنکه مؤسسه‌های اعتباری به عنوان اشخاص حقوقی، موجودیت عینی و ملموس ندارند تا بتوانند مرتکب عنصر مادی جرم شده و دارای عنصر معنوی باشند.

مداقه در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مشخص می‌سازد که قانون‌گذار «ضابطه مسئولیت مبتنی بر نمایندگی»^۱ را در خصوص چگونگی انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی پذیرفته است. منظور از نظریه نمایندگی آن است که رفتار ارکان و نمایندگان شخص حقوقی، با تحقق شرایطی، به منزله رفتار شخص حقوقی محسوب و جرم به شخص حقوقی منتسب شود.^۲ همان‌طور که ماده فوق نیز تصریح دارد، جهت ایجاد مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی، باید شخص حقیقی به نمایندگی از شخص حقوقی بزه‌ی را به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب شده باشد. بنابراین اولین شرط لازم به منظور ایجاد مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی، یافتن شخص حقیقی مقصر و انتساب رفتار مجرمانه به وی می‌باشد. لیکن یافتن اشخاص حقیقی مقصر در اشخاص حقوقی با شعب متعدد که

1. Vicarious liability theory

۲. رفیع‌زاده، علی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۹۲، ص. ۲۰.

دارای ساختار پیچیده‌ای بوده و مرتکب جرایمی در سطح گسترده می‌شوند، دشوار به نظر می‌رسد.

با تأمل در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان دریافت که قانون‌گذار قایل به وجود شخصیتی مستقل برای شخص حقوقی نبوده و ضمن عدم توجه به فرهنگ سازمانی مجرمانه حاکم بر شخص حقوقی، مسئولیت کیفری شخص حقوقی را متوقف بر شناسایی اشخاص حقیقی مقصر نموده است. این در حالی است که پیش شرط قبول مسئولیت کیفری شخص حقوقی، پذیرش وجود شخصیتی مجزا و مستقل از اشخاص حقیقی تشکیل‌دهنده برای شخص حقوقی است.

در واقع ماهیت شخص حقوقی به عنوان وجودی اعتباری که دارای واقعیت خارجی است، مورد پذیرش اندیشمندان علم حقوق قرار گرفته و ایشان، شخص حقوقی را به عنوان یک واقعیت حقوقی که دارای اراده‌ای مستقل از اعضای تشکیل‌دهنده آن و موجد حقوق و تکالیف مستقل برای آن می‌باشد را به رسمیت شناخته‌اند.^۱

یکی از ایرادهای وارد بر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، متوقف ساختن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، بر شناسایی و احراز مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب جرم است. نتیجه حتمی تقید به رویکرد فوق، لزوم صدور حکم برائت مؤسسه اعتباری در صورت عدم شناسایی اشخاص حقیقی مقصر است؛ این در حالی است که در خصوص مؤسسه‌های اعتباری معظم با ساختار پیچیده، به دشواری می‌توان شخص یا اشخاصی را به عنوان نمایندگان شخص حقوقی یافت که ارتکاب عناصر متشکله جرم قابل انتساب به آنان باشد.

لیکن برخی کشورها همچون استرالیا، مبنای جدیدی را تحت عنوان «مسئولیت سازمانی»^۲ به منظور توجیه مسئولیت کیفری شخص حقوقی پیش‌بینی کرده‌اند. این کشورها، مقرراتی را پیش‌بینی کرده‌اند که شخص حقوقی را به دلیل فرهنگ سازمانی مجرمانه که اشخاص حقیقی تشکیل‌دهنده خود را هدایت یا تشویق به ارتکاب جرم می‌نماید، از لحاظ کیفری مسئول قلمداد می‌نمایند.^۳

به موجب نظریه مسئولیت سازمانی، مسئولیت کیفری شخص حقوقی ناشی از قصور در اعمال نظارت بر ارکان و نمایندگان خود می‌باشد.^۴ این نظریه برخلاف نظریه

۱. فرج‌الهی، رضا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۸۸، ص. ۳۷.

2. Organizational liability

3. Robinson, Allens Arthur, "Corporate Culture as a Basis for the Criminal Liability of Corporations", Prepared For The United Nations Special Representative of The Secretary-General On Human Rights and Business, 2008, p. 7.

4. Doyle, Charles, "Corporate Criminal Liability: An Overview of US Federal Law", Prepared For Members and Committees of Congress, 2013, p. 16.

نماینده‌گی بر فرضیه واقعی بودن شخص حقوقی مبتنی است و بر مبنای این نظریه، تقصیر کیفری را باید در ساختار، رویه و سیاست سازمانی شخص حقوقی معیوب جست‌وجو کرد.^۱

بر مبنای نظریه مسئولیت سازمانی، تقصیر شخص حقوقی نه از مجرای تقصیر یک یا چند فرد، بلکه از رهگذر فرهنگ جرم‌زای حاکم بر شخص حقوقی قابل احراز است.^۲ برخلاف نظریه پیشین، بر مبنای این نظریه، مسئولیت کیفری شخص حقوقی متوقف بر احراز مسولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب جرم نمی‌باشد.

تعدد شعب یک مؤسسه اعتباری در سطح کشور، تعداد کثیر سهام‌داران آن، ساختار پیچیده حاکم بر تصمیم‌گیری، ایجاد خط‌مشی‌ها و اجرای تصمیمات مأخوذه، موجب تقسیم مسئولیت میان شعب متعدد مؤسسه اعتباری در سطح کشور و همچنین سهام‌داران آن می‌گردد که این امر شناسایی اشخاص حقیقی مقصر را در جرایمی نظیر رباخواری، پولشویی، اشتغال غیرمجاز به عملیات بانکی و اخلال در نظام اقتصادی کشور، با دشواری زایدالوصفی مواجه می‌سازد. در چنین مواردی، به جای تلاش برای یافتن اشخاص حقیقی مقصر، باید از طریق مراجعه به دستورالعمل‌ها و رویه‌های سازمانی و اسنادی نظیر اساسنامه و صورت‌جلسات مجامع عمومی و هیأت مدیره، به دنبال کشف فرهنگ سازمانی مجرمانه حاکم بر مؤسسه اعتباری و تحمیل مسئولیت کیفری و مجازات به مؤسسه اعتباری از مجرای این فرهنگ سازمانی معیوب و مجرمانه بود.

تذکر این نکته خالی از فایده نخواهد بود که رویکرد مذکور، هرگز در مقام نفی تقصیر فردی اشخاص حقیقی و مسئولیت کیفری آنان نیست، بلکه تنها درصدد است تا مسئولیت کیفری مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی، مستقل از تقصیر اعضای تشکیل‌دهنده آن مورد بررسی قرار گیرد؛ بدیهی است که در چنین مواردی صرف عدم شناسایی اشخاص حقیقی مقصر یا تبرئه آنان، موجب برائت مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی نخواهد بود.

۲-۲. شرایط تحقق مسئولیت کیفری مؤسسه‌های اعتباری

تحقق شخصیت حقوقی به معنای بهره‌مندی شخص حقوقی از مزایا و حقوق و نیز بارگردیدن تکالیف بر آن است. تا زمانی که چنین شخصیتی پدید نیامده،

1. Weissmann, Andrew, "A New Approach To Corporate Criminal Liability", American Criminal Law Review, vol. 44, 2011, p. 89.

۲. شریفی، محسن، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۰.

مسئولیت حقوقی و کیفری تنها متوجه اشخاص حقیقی خواهد بود. در نتیجه، تا قبل از تحقق شخصیت حقوقی، تحمیل مسئولیت کیفری بر مؤسسه‌های اعتباری امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین آن دسته از مؤسسه‌های اعتباری که به صورت «شرکت عملی»^۱ و بدون ثبت در دفتر ثبت شرکت‌ها به صورت غیرمجاز به عملیات بانکی اشتغال دارند، فاقد شخصیت حقوقی بوده و تحمیل مسئولیت کیفری بر این مؤسسه‌های اعتباری به عنوان اشخاص حقوقی امکان‌پذیر نیست. شرکت عملی از مصادیق شرکت مدنی است که قرارداد آن مورد قبول قانون مدنی است و مطلق شرکت مدنی که به امور تجاری یا غیرتجاری اشتغال می‌ورزد، با توجه به دلایل ذیل، خارج از شمول ماده ۲۲۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱^۲ بوده و نمی‌توان چنین شرکت‌هایی را با استناد به ماده اخیرالذکر در قالب شرکت تضامنی واجد شخصیت حقوقی و مسئولیت کیفری دانست:

اول، پیشینه تاریخی حکم مواد ۵۹۴ و ۲۲۰ قانون تجارت به بهمن ماه سال ۱۳۰۳ که قسمت اول قانون تجارت ۴-۱۳۰۳ شامل ۱۴۱ ماده به تصویب رسید، برمی‌گردد. در حالی که باب هفتم قانون مدنی در باب شرکت، در سال ۱۳۰۷ به تصویب رسیده است. از این رو حکم ماده ۲۲۰ با پیشینه تاریخی مذکور، منصرف از شرکت مدنی است، حتی اگر این شرکت به امور تجاری اشتغال داشته باشد.

دوم، تدوین‌کنندگان قانون مدنی در هیچ یک از مواد قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ به عقدی به نام شرکت اشاره نکرده‌اند، بلکه به جای عقد شرکت، خود شرکت را تعریف کرده‌اند و به این طریق مشکل است با استناد به مواد قانون مزبور، صریحاً اظهار عقیده نمود بر اینکه عقد مستقل شرکتی موجود است که ایجاب و قبول به وسیله الفاظ دال بر معنای مشارکت منعقد می‌گردد، بدون اینکه اطراف عقد مجبور به مزج سهم‌الشرکه خود باشند. بنابراین به این دلیل هم، ماده ۲۲۰ قانون تجارت نمی‌تواند ناظر بر شرکت مدنی باشد.

سوم، اگر شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال دارد، مشمول ماده ۲۲۰ قانون تجارت باشد (یعنی در حکم شرکت تضامنی تلقی شود) عقد مضاربه هم که نوعی

۱. شرکت عملی شرکتی است که دو یا چند نفر به منظور انجام یک فعالیت مشترک سرمایه‌گذاری می‌کنند و در منافع، هزینه‌ها و زیان‌های شرکت سهیم هستند. این شرکت‌ها ثبت نشده و فاقد شخصیت حقوقی هستند و بر حسب موضوع آنها، یک شرکت مدنی یا تجاری محسوب می‌شوند.

۲. ماده ۲۲۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، کلیه شرکت‌های ایرانی را که با اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در قانون تجارت در نیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننمایند، شرکت تضامنی محسوب نموده و احکام راجع به شرکت‌های تضامنی در مورد آن مجری دانسته است.

شرکت در امور تجاری است، باید مشمول ماده فوق باشد. در این صورت، دیگر عقدی به نام مضاربه وجود نخواهد داشت. به نظر می‌رسد که این تعبیر بر خلاف موازین شرع و مقررات قانون مدنی ایران است.^۱

چهارم، علاوه بر دلایل فوق، پذیرش تحقق شخصیت حقوقی مؤسسه‌های اعتباری غیرمجاز فاقد سابقه مثبتی، در قالب شرکت تضامنی، در تعارض صریح با بند الف ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ و همچنین ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶ می‌باشد که تأسیس مؤسسه‌های اعتباری را صرفاً در قالب شرکت سهامی عام یا شرکت تعاونی سهامی عام امکان‌پذیر دانسته‌اند.

بنابراین شرکت‌های ایرانی مذکور در ماده ۲۲۰ قانون تجارت، الزاماً واجد شخصیت حقوقی هستند، اما مطلق شرکت مدنی از جمله مؤسسه‌های اعتباری غیرمجازی که فاقد سابقه مثبتی هستند، تا زمانی که در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسند، فاقد شخصیت حقوقی بوده و نمی‌توانند به عنوان اشخاص حقوقی واجد مسئولیت کیفری باشند.

بنا به مطالب فوق‌الذکر، آگاهی از زمان تحقق شخصیت حقوقی مؤسسه‌های اعتباری به منظور تحمیل مسئولیت کیفری بر آنها حایز اهمیت است. لیکن شیوه و زمان تحقق شخصیت حقوقی در مؤسسه‌های اعتباری دولتی و غیردولتی متفاوت است. بنابراین زمان ایجاد شخصیت حقوقی در مؤسسه‌های اعتباری دولتی و غیردولتی باید به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

مطابق ماده ۵۸۷ قانون تجارت، مؤسسه‌های و شرکت‌های دولتی، به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت، دارای شخصیت حقوقی هستند. بنابراین با عنایت به اینکه مؤسسه‌های اعتباری دولتی خود نوعی شرکت دولتی محسوب می‌شوند که به موجب قانون تشکیل شده و اساسنامه آنها توسط قانون‌گذار یا هیأت وزیران به تصویب می‌رسد و به عنوان مصوبات رسمی در روزنامه رسمی منتشر می‌گردد، به محض تشکیل و به موجب قانون و بدون نیاز به ثبت در اداره ثبت شرکت‌ها، دارای شخصیت حقوقی هستند.^۲

۱. عیسایی تفرشی، محمد، «مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ قانون تجارت ۱۳۱۱»، فصلنامه مدرس، دوره ۴، شماره ۱، ۱۳۷۹، ص. ۵۴.

۲. البته باید توجه داشت چنانچه بانک‌های دولتی به عنوان یک شرکت دولتی مبادرت به راه‌اندازی شرکت‌های فرعی در قالب عقود مانند مزارعه و مضاربه نمایند و سپرده اشخاص را در آن مؤسسات به کار اندازند، شرکت‌های فرعی، تابع مقررات عمومی از جمله قانون تجارت هستند و شخصیت حقوقی آنها از زمان ثبت در

لیکن در خصوص مؤسسه‌های اعتباری غیردولتی، مسأله متفاوت است. با توجه به اینکه به موجب ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مؤسسه اعتباری غیردولتی الزاماً در قالب شرکت سهامی عام یا تعاونی سهام عام، ثبت و تأسیس می‌شود، مؤسسه اعتباری غیردولتی، نوعی شرکت تجاری محسوب می‌شود. در خصوص زمان آغاز شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری از جمله مؤسسه‌های اعتباری، با عنایت به پذیرش معیار ثبت، باید زمان ثبت مؤسسه اعتباری در اداره ثبت شرکت‌ها را به عنوان زمان پیدایش شخصیت حقوقی مؤسسه‌های اعتباری غیردولتی مورد پذیرش قرار داد.^۱

مؤسسه‌های اعتباری، به عنوان اشخاص حقوقی دارای مسئولیت کیفری هستند. بنابراین شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، در خصوص مؤسسه‌های اعتباری نیز جاری است. شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد تصریح قرار گرفته است. ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد:

«شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود...»

لیکن این پرسش مطرح می‌گردد که منظور از نماینده قانونی شخص حقوقی چه کسی است. برای فهم این مهم، لازم است به مفهوم نظریه نمایندگی در حقوق مدنی نگاهی بیاندازیم. نمایندگی در دکتترین حقوق مدنی بدین نحو تعریف شده است: «نمایندگی عنوانی است که بر مبنای آن، شخصی به نام و به حساب شخص دیگری، اقدام به انجام اعمال حقوقی و یا اعمال مادی می‌کند، به گونه‌ای که آثار ناشی از اعمال حقوقی یا قراردادی مستقیماً متوجه شخص اصیل می‌شود.»^۲

← دفتر ثبت شرکت‌ها شکل خواهد گرفت و تنها پس از ثبت در دفتر ثبت شرکت‌ها، امکان تحمیل مسئولیت کیفری و مجازات بر آنها وجود دارد.

۱. در خصوص زمان تشکیل شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری غیردولتی، دو معیار مورد توجه حقوق دانان قرار گرفته است که عبارتند از: ۱- معیار تشکیل عملی بدون نیاز به ثبت. ۲- معیار ثبت. در خصوص معیار تشکیل عملی شرکت به عنوان نقطه آغاز شخصیت حقوقی شرکت، با عنایت به اختلاف در معیارهای مقرر برای تشکیل شرکت‌های مختلف و عدم توجه هرگونه قرینه‌ای بر مترادف اصطلاحات تشکیل و تحقق شخصیت حقوقی از سوی دیگر، احراز اراده مقنن به کاربرد تشکیل در معنای ایجاد شخصیت حقوقی را به طور جدی با تردید مواجه می‌سازد. لیکن پذیرش نظریه تحقق شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری پس از ثبت در مقایسه با دیدگاه مقابل، با قواعد و منطق حقوقی سازگارتر است. برای ملاحظه دلایل موافقان و مخالفان معیار قراردادن زمان ثبت شرکت به عنوان نقطه آغاز شخصیت حقوقی شرکت، ر. ک: پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ نهم، انتشارات سمت، ۱۳۹۳، صص. ۳۰-۱۸.

۲. رفیع‌زاده، علی، منبع پیشین، ص. ۴۱.

ماده ۱۲۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ نیز مقرر می‌دارد: «مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت، حق امضا دارد.» هر چند مقرر قانونی فوق، ناظر به شرکت‌های سهامی است، لیکن می‌توان آن را به عنوان یک مقرر قانونی برای تعریف عنوان نماینده قانونی در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد استفاده قرار داد. منظور از «نماینده قانونی» شخصی است که به حکم قانون یا اساسنامه، سمت نمایندگی به او داده شده است، یا خودش مدیر باشد و یا از سوی مدیر منصوب شده باشد. با این حال به نظر می‌رسد که مدیرعامل یا رئیس هیأت مدیره در این بین موضوعیت نداشته باشد، بلکه منظور شخصی است که اختیاراتی از جانب ارکان تصمیم‌گیرنده شخص حقوقی نظیر مجمع عمومی و هیأت مدیره به وی تفویض شده است و وی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب بزه می‌گردد.

شرط دیگر تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی آن است که نماینده شخص حقوقی «به نام» یا «در راستای منافع» شخص حقوقی انجام دهد. «به نام» شخص حقوقی یعنی نماینده شخص حقوقی عمل را نه به حساب خود بلکه به حساب شخص حقوقی انجام دهد. به عنوان مثال، شخصی حقیقی به عنوان نماینده بانک به حساب بانک معامله‌ای انجام داده و در انجام این معامله مرتکب جعل و کلاهبرداری می‌شود. در این صورت، علاوه بر نماینده‌ای که مرتکب بزه کلاهبرداری شده است، مسئولیت کیفری متوجه بانک به عنوان شخص حقوقی نیز خواهد بود. این در حالی است که اگر نماینده، این معامله را به حساب خود انجام دهد، مسئولیت کیفری تنها متوجه خود نماینده به عنوان شخص حقیقی خواهد بود.

«در راستای منافع» شخص حقوقی مرتکب جرم شدن، بدین معناست که به عنوان مثال نماینده بانک در معامله‌ای که در راستای منافع بانک به عنوان شخص حقوقی انجام می‌دهد، مرتکب جرمی شود. این نفع و فایده می‌تواند جنبه مادی یا معنوی، مستقیم یا غیرمستقیم، قطعی یا احتمالی داشته باشد.

مثل زمانی که نماینده یک مؤسسه اعتباری به زبان مؤسسه اعتباری رقیب، اقدام به تبلیغات غیرواقعی یا نشر اکاذیب می‌نماید. در چنین حالتی، علاوه بر نماینده، خود مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی، واجد مسئولیت کیفری بوده و قابل تعقیب و مجازات خواهد بود.^۱ در مواردی که نماینده قانونی، از سمت خود برای

۱. روح الامینی، محمود، «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در فرانسه»، مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۵.

نفع شخصی سوءاستفاده نموده، نمی‌توان گفت که در راستای منافع شخص حقوقی یا به نام او مرتکب جرم شده است.^۱ همچنین برخلاف نظر برخی نویسندگان،^۲ لزومی ندارد در نتیجه اقدامات نماینده، در عمل نفعی عاید شخص حقوقی شود. بلکه همین که اقدامات نماینده، عرفاً در راستای منافع بانک به عنوان شخص حقوقی محسوب شود، کافی است. همچنین به منظور تحقق مسئولیت کیفری برای مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی، برخلاف نظر برخی نویسندگان^۳ لزومی به تجویز ارتکاب جرم توسط ارکان تصمیم‌ساز مؤسسه اعتباری همچون مجمع عمومی و هیأت مدیره نمی‌باشد؛ زیرا اولاً نمایندگان قانونی مؤسسه اعتباری یکی از ارکان مؤسسه اعتباری بوده و اراده و اقدام آنها، اراده و اقدام مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی محسوب می‌شود؛ ثانیاً با توجه به تفویض مطلق اختیارات توسط مؤسسه اعتباری به نماینده خود، جهت اداره امور مؤسسه اعتباری در راستای منافع مؤسسه، لزومی به تجویز موردی اقدامات توسط مؤسسه اعتباری به نماینده مربوطه نمی‌باشد؛ ثالثاً عموم و اطلاق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اقتضای ایجاد مسئولیت کیفری برای مؤسسه اعتباری در صورت تجویز یا عدم تجویز ارتکاب جرم توسط ارکان تصمیم‌ساز مؤسسه اعتباری به نماینده خود را دارد؛ رابعاً وحدت ملاک موجود میان ماده اخیر و ماده ۱۱۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷،^۴ اقتضای آن دارد که چنانچه نماینده مؤسسه اعتباری با تجاوز از حدود اختیارات تفویضی به وی، به نام مؤسسه اعتباری یا در راستای منافع آن، مرتکب جرمی شود، اقدام وی موجد مسئولیت کیفری برای مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی نیز باشد؛ منوط بر اینکه اقدامات نماینده مؤسسه اعتباری، در حدود موضوع مؤسسه اعتباری به عنوان یک شرکت تجاری باشد.

این ایراد که ارتکاب جرم توسط نماینده مؤسسه اعتباری، موضوع اراده و خواست سهام‌داران و ارکان تصمیم‌ساز مؤسسه اعتباری نبوده، لذا مسئولیت کیفری متوجه

۱. مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، چاپ چهارم، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲، ص. ۲۸۷.

۲. یکی از شارحان حقوق جزا معتقد است: «شخص حقوقی فقط باید زمانی پاسخگوی افعال خود باشد که نفعی از ارتکاب جرم حاصل کرده باشد، به عبارت دیگر، رفتار مجرمانه شخص حقیقی، باید به نفع شخص حقوقی تمام شود.» اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ سی و دوم، انتشارات میزان، ۱۳۹۳، ص. ۶۷.

۳. الهام، غلامحسین؛ برهانی، محسن، درآمدی بر حقوق جزای عمومی: جرم و مجرم، جلد اول، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۹۴، ص. ۳۲۳.

۴. ماده ۱۱۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، اقدامات مدیران شرکت، ولو خارج از حدود اختیارات تفویضی به ایشان را برای شرکت در مقابل اشخاص ثالث تعهدآور محسوب نموده است، منوط بر اینکه اقدامات آنان در حدود موضوع شرکت صورت پذیرفته باشد.

مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی نمی‌باشد نیز مردود است؛ زیرا همان طور که اشاره شد، ارتکاب جرم توسط نماینده مؤسسه اعتباری، ناشی از قصور سهام‌داران و ارکان تصمیم‌ساز مؤسسه اعتباری در عدم نظارت بر اقدامات نماینده یا مدیر متخلف بوده و از این لحاظ سهام‌داران نیز قابل سرزنش و مستحق تحمل مجازات هستند.

در صورتی که قائل به لزوم تجویز ارتکاب جرم توسط ارکان تصمیم‌ساز مؤسسه اعتباری نظیر مجمع عمومی یا هیأت مدیره به نماینده یا مدیر مؤسسه اعتباری به منظور ایجاد مسئولیت کیفری برای مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی باشیم، با عنایت به لزوم اتخاذ تصمیمات با رأی اکثریت سهام‌داران، لاجرم باید تمام سهام‌دارانی که با رأی مثبت خود، ارتکاب جرم توسط نماینده مؤسسه اعتباری را تجویز نموده‌اند، به اتهام معاونت در جرم تحت تعقیب کیفری قرار دهیم؛ لیکن در عرصه عمل، به ندرت چنین تجویزی تحقق یافته و شخص حقوقی جز در موارد بسیار نادر و استثنایی، از تعقیب کیفری مصون خواهد ماند؛ چنین نتایجی، با فلسفه و مبانی شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی توسط قانون‌گذار در تعارض است.

نکته حایز اهمیت آن که بین دو عبارت فوق از حرف «یا» استفاده شده است؛ بدین توضیح که به صرف اینکه اقدامات مجرمانه نماینده به نام شخص حقوقی باشد، کفایت می‌کند و نیازی نیست اقدامات نماینده در راستای منافع شخص حقوقی باشد. همین طور اگر اقدامات نماینده به نام و حساب خود لیکن عرفاً در راستای منافع شخص حقوقی محسوب گردد، شخص حقوقی با تحقق سایر شرایط، واجد مسئولیت کیفری خواهد بود. بنابراین ضرورتی ندارد اقدامات مجرمانه نماینده شخص حقوقی هم به نام و هم در راستای منافع شخص حقوقی باشد.

نکته دیگری که در این بین باید مورد توجه قرار گیرد آن است که به منظور تحقق مسئولیت کیفری مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی، اقدامات نماینده مؤسسه اعتباری که به نام مؤسسه اعتباری یا در راستای منافع آن صورت پذیرفته، الزاماً باید متصف به وصف مجرمانه باشد؛ یعنی نماینده مؤسسه اعتباری باید به نام یا در راستای منافع مؤسسه اعتباری مرتکب جرم شود و عناصر مادی و معنوی بزه ارتكابی در خصوص شخص حقیقی به عنوان نماینده کاملاً به اثبات برسد. بنابراین مسئولیت کیفری نماینده مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقیقی، شرط ضروری تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی است و مسئولیت کیفری شخص حقوقی نیز نافی مسئولیت کیفری نماینده آن به عنوان شخص حقیقی نخواهد بود.

تذکر این نکته حایز اهمیت است که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نافی مسئولیت کیفری مدیران نخواهد بود. ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، صراحتاً مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را نافی مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی تشکیل‌دهنده آن ندانسته است.

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، اشخاص حقوقی به اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و اشخاص حقوقی حقوق عمومی قابل تقسیم هستند. اشخاص حقوقی حقوق خصوصی صرفاً به اعمال تصدی مبادرت می‌ورزند. لیکن اشخاص حقوقی حقوق عمومی این امکان را دارند که علاوه بر اعمال حاکمیتی، به اعمال تصدی نیز مبادرت ورزند. اعمال تصدی بر خلاف اعمال حاکمیتی، قابل واگذاری به بخش خصوصی است. بانک‌داری از جمله اعمال تصدی‌گرایانه است و در سالیان اخیر، در راستای اجرای قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی مصوب ۱۳۷۹، بخش عمده‌ای از سهام برخی بانک‌های دولتی به بخش خصوصی واگذار شده است.

در راستای تبیین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: «مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.» از مفهوم مخالف تبصره فوق، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی عمومی تصدی‌گر، اعم از دولتی و غیردولتی قابل برداشت است. در واقع اعتبار و حجیت مفهوم مخالف در تبصره مذکور به اعتبار قیود مندرج در آن است.^۱ جمله مذکور در تبصره به اعتبار عبارت «در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند»، جمله شرطیه است و مفهوم مخالف شرط نیز مطابق نظر اکثر اصولیون به دلیل تبادر یا همان فهم عرفی، حجیت داشته و معتبر است.^۲ اصولاً هر جا قانون‌گذار در متن دستورهای خود، قیدی اعم از وصف و شرط و حصر و غایت و عدد قرار دهد، در صورت انتفای قید مزبور، در انتفای حکم قانونی نباید تردید کرد.^۳

بنابراین با عنایت به اینکه بانک‌داری، نوعی عملیات تصدی‌گرایانه محسوب می‌گردد، چنانچه مؤسسه‌های اعتباری دولتی نیز به عنوان اشخاص حقوقی حقوق عمومی، مرتکب رفتار مجرمانه‌ای شوند، به عنوان شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری بوده و قابل تعقیب کیفری و مجازات هستند.

۱. شریفی، محسن، منبع پیشین، ص. ۲۱۰.

۲. محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ بیست و دوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص. ۸۲.

۳. امیدی، جلیل، تفسیر قانون در حقوق جزا، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۳.

۳. جلوه‌های بارز مسئولیت کیفری مؤسسه‌های اعتباری به عنوان شخص حقوقی

در این قسمت مهم‌ترین جرایمی که در آنها، امکان تحمیل مسئولیت کیفری بر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری به عنوان اشخاص حقوقی وجود دارد، مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۳-۱. اشتغال غیرمجاز به عملیات بانکی

اشتغال غیرمجاز به عملیات بانکی به صورت مختلف توسط قانون‌گذار، جرم انگاری شده است که مشتمل بر موارد ذیل است: تأسیس غیرمجاز بانک، اشتغال به بانک‌داری بدون رعایت مقررات قانون پولی و بانکی کشور، استفاده غیرمجاز از نام بانک توسط مؤسسه‌های اعتباری (همگی موضوع بند «ب» ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱)، مداومت در اشتغال غیرمجاز به عملیات بانکی (موضوع تبصره ۴ ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳) و ادامه تصدی مدیران متخلف و سلب صلاحیت‌شده در امور بانکی (موضوع تبصره ۳ ماده ۹۶ قانون پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹).

به عنوان مثال در فرضی که یک مؤسسه اعتباری، علی‌رغم اخطار بانک مرکزی، همچنان به فعالیت بانکی غیرمجاز خود ادامه می‌دهد، علاوه بر اینکه مدیران مؤسسه اعتباری مربوطه وفق تبصره ۴ ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳ به شش ماه حبس محکوم می‌شوند، به دلیل اینکه ارتکاب رفتار مجرمانه مداومت در اشتغال غیرمجاز به عملیات بانکی، از سوی مدیران مؤسسه اعتباری، به نام و در راستای منافع مؤسسه اعتباری صورت پذیرفته است، مؤسسه اعتباری مربوطه نیز به عنوان شخص حقوقی، مطابق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دارای مسئولیت کیفری خواهد بود.

۳-۲. پولشویی

پولشویی به موجب ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ جرم انگاری و برای آن مجازات تعیین شده است. به بیان ساده «پولشویی به مجموعه فعل و ترک فعل‌هایی اطلاق می‌شود که برای پنهان نگه داشتن ماهیت و منشأ نامشروع اموال حاصل از فعالیت‌های مجرمانه ارتکاب می‌یابند، تا این اموال، ظاهر قانونی به خود گرفته و پاک و مشروع جلوه داده شوند.»

بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری به علت اینکه محل اصلی نگهداری وجوه نقد اشخاص هستند، مجرای اصلی ارتکاب بزه پولشویی محسوب می‌شوند. بنابراین چنانچه کارمند یک مؤسسه اعتباری در راستای منافع مؤسسه اعتباری و به منظور کسب سود برای مؤسسه اعتباری، وجوه نقد کلان را از سپرده‌گذار با علم به منشأ مجرمانه وجوه، تحصیل نماید یا وجوه مذکور را به منظور مخفی نمودن منشأ مجرمانه وجوه، به حساب بانکی اشخاص دیگر انتقال دهد، نظر به اینکه ارتکاب بزه پولشویی توسط کارمند مؤسسه اعتباری، به نام و در راستای منافع مؤسسه اعتباری صورت پذیرفته است، مؤسسه اعتباری مربوطه نیز مطابق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دارای مسئولیت کیفری خواهد بود.

۳-۳. رباخواری

ماده ۵۹۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ رباخواری را جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات تعیین نموده است. مطابق این ماده، دریافت مبلغی زاید بر مبلغ پرداختی به گونه‌ای که از قبل شرط اضافه شده باشد، ربا محسوب و مرتکب به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌شود. در حال حاضر برخی مؤسسه‌های اعتباری اقدام به دریافت «بهره مرکب» از تسهیلات‌گیرندگان می‌نمایند. بدیهی است در صورت تحقق شرایط مقرر قانونی، علاوه بر کارمندی که اقدام به محاسبه و دریافت بهره مرکب نموده، از آنجا که اقدام کارمند به نام و در راستای منافع مؤسسه اعتباری صورت پذیرفته است، مؤسسه اعتباری نیز به عنوان شخص حقوقی، قابل تعقیب کیفری و مجازات خواهد بود.

۳-۴. اخلال در نظام اقتصادی کشور

به موجب بند «ه» از ماده یک قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، «وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی شود» جرم‌انگاری شده و مستوجب مجازات مقرر قانونی می‌باشد. به منظور تحقق بزه فوق، باید فرد یا افرادی اغلب از طریق تشکیل شخصیت حقوقی در قالب مؤسسه اعتباری و به صورت سازمان‌یافته و با تبلیغات موهوم و دادن وعده‌های واهی نظیر پرداخت سودهای کلان در کوتاه مدت، اقدام به جذب وجوه نقدی اشخاص در سطح وسیع، در قالب عقود همچون مضاربه و مشارکت مدنی کرده و سپس همراه با وجوه مأخوذه متواری شده و زمینه حیف و میل اموال مردم را فراهم

نمایند و میزان وجوه ماخوذه از اشخاص نیز به اندازه‌ای کلان باشد که موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور شود. در این فرض، از آنجا که اقدامات مدیران و کارمندان مؤسسه اعتباری، به نام و در راستای منافع مؤسسه اعتباری صورت پذیرفته است، علاوه بر اشخاص حقیقی، خود مؤسسه اعتباری نیز به عنوان شخص حقوقی قابل تعقیب کیفری و مجازات خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، به صورت عام در کلیه جرایم، برای اولین بار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به رسمیت شناخته شد. بدیهی است که تحمیل مسئولیت کیفری و مجازات بر مؤسسه‌های اعتباری نیز به عنوان اشخاص حقوقی امکان‌پذیر است. دشواری شناسایی اشخاص حقیقی مقصر، ضرورت جبران مطلوب ضرر و زیان وارد بر بزه‌دیدگان، ضرورت آگاه‌سازی اشخاص ثالث و افزایش دقت سهام‌داران مؤسسه اعتباری در انتخاب مدیران و نظارت بر اقدامات آنها، از مهم‌ترین مبانی شناسایی مسئولیت کیفری برای مؤسسه‌های اعتباری است.

تحمیل مسئولیت کیفری بر مؤسسه‌های اعتباری، مستلزم آگاهی از ایجاد یا عدم ایجاد شخصیت حقوقی در مؤسسه‌های اعتباری است. بنابراین اطلاع از زمان پیدایش شخصیت حقوقی در مؤسسه‌های اعتباری دولتی و غیردولتی، نکته کلیدی در تحمیل مسئولیت کیفری بر آنهاست. با عنایت به پذیرش معیار ثبت به عنوان نقطه آغاز شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری، باید قائل به آن بود که مؤسسه‌های اعتباری غیردولتی به عنوان شرکت سهامی عام، پس از اخذ اجازه‌نامه تأسیس از بانک مرکزی و ثبت در اداره ثبت شرکت‌ها، واجد شخصیت حقوقی شده و قابل تعقیب و مجازات هستند. لیکن مسأله در خصوص مؤسسه‌های اعتباری دولتی متفاوت است. با توجه به اینکه مؤسسه‌های اعتباری دولتی با تجویز قانون یا با تصویب اساسنامه توسط مجلس شورای اسلامی یا هیأت وزیران، در قالب شرکت دولتی تشکیل می‌شوند، وفق ماده ۵۸۷ قانون تجارت، به محض تشکیل و بدون نیاز به ثبت دارای شخصیت حقوقی هستند.

با عنایت به مفهوم مخالف تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و با توجه به اینکه بانک‌داری نوعی تصدی‌گری محسوب می‌گردد، علاوه بر مؤسسه‌های اعتباری غیردولتی، مؤسسه‌های اعتباری دولتی نیز، با تحقق شرایط مقرر قانونی، واجد مسئولیت کیفری و قابل تعقیب و مجازات هستند.

در خصوص چگونگی انتساب مسئولیت کیفری به مؤسسه‌های اعتباری به عنوان اشخاص حقوقی، به نظر می‌رسد که با عنایت به اینکه قانون‌گذار در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری شخص حقوقی را از رهگذر احراز تقصیر نمایندگان شخص حقوقی به رسمیت شناخته است، باید قائل به پذیرش نظریه نمایندگی توسط قانون‌گذار در نحوه انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی بود.

با این حال به جای نظریه منتخب قانون‌گذار یعنی نظریه مسئولیت مبتنی بر نمایندگی، پذیرش نظریه مسئولیت سازمانی که با قبول فرضیه واقعی بودن شخص حقوقی، تقصیر مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی را نه از مجرای تقصیر یک یا چند فرد، بلکه از رهگذر فرهنگ جرم‌زای حاکم بر شخص حقوقی احراز می‌کند، بر نظریه نمایندگی مقدم است؛ مخصوصاً اینکه در جرایمی همچون پولشویی و اخلاف در نظام اقتصادی کشور، شناسایی اشخاص حقیقی مقصر، در عمل، بسیار دشوار است. در باب مفهوم «نماینده قانونی» مذکور در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به نظر می‌رسد مدیر عامل یا رئیس هیأت مدیره در این بین موضوعیت نداشته باشد؛ بلکه منظور از نماینده قانونی شخص حقوقی، فردی است که اختیاراتی از جانب ارکان تصمیم‌گیرنده شخص حقوقی نظیر مجمع عمومی و هیأت مدیره به وی تفویض شده است و وی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم می‌شود.

تحمیل مسئولیت کیفری بر مؤسسه‌های اعتباری، مستلزم آن است که نماینده قانونی مؤسسه اعتباری، «به نام» یا «در راستای منافع» مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی، مرتکب جرم شود. در عین حال با عنایت به عموم و اطلاق موجود در ماده ۱۴۳ قانون مذکور، اقدامات مجرمانه نماینده قانونی مؤسسه اعتباری در همین حد که به نام یا در راستای منافع مؤسسه اعتباری باشد، موجب مسئولیت کیفری برای مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی خواهد بود و لزومی به تجویز ارتکاب جرم به نماینده قانونی، توسط ارکان تصمیم‌ساز مؤسسه اعتباری نظیر مجمع عمومی یا هیأت مدیره نیست. در عین حال نباید از نظر دور داشت که مسئولیت کیفری مؤسسه اعتباری، نافی مسئولیت کیفری مدیران و نمایندگان مؤسسه اعتباری به عنوان اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

همچنین مؤسسه‌های اعتباری غیرمجازی که در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسیده‌اند، به علت عدم تحقق شخصیت حقوقی، فاقد مسئولیت کیفری هستند و با استناد به ماده ۲۲۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ نیز نمی‌توان برای چنین مؤسسه‌هایی در قالب شرکت تضامنی، قائل به وجود شخصیت حقوقی و بالتبع مسئولیت کیفری شد؛ زیرا منظور از «شرکت‌های ایرانی» مذکور در ماده مذکور، شرکت‌های دارای شخصیت حقوقی است. ضمن اینکه اعتقاد به تشکیل شخصیت حقوقی مؤسسه‌های اعتباری غیرمجاز فاقد سابقه مثبتی، در قالب شرکت تضامنی، در تعارض صریح با ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد

که تأسیس و اداره مؤسسه‌های اعتباری غیردولتی را تنها در قالب شرکت سهامی عام یا شرکت تعاونی سهامی عام به رسمیت شناخته است. در انتها پیشنهادات ذیل خطاب به قانون‌گذار به منظور اصلاح قوانین ناظر بر مسئولیت کیفری مؤسسه‌های اعتباری ارائه می‌گردد:

۱. مسئولیت کیفری مؤسسه‌های اعتباری صراحتاً در متن قوانین ناظر به امور پولی و بانکی نظیر قانون پولی و بانکی کشور، قانون تنظیم بازار غیرمتشکل بانکی و قانون عملیات بانکی بدون ربا مورد تصریح قرار گرفته و مجازات‌هایی بازدارنده و متناسب با ماهیت و عملکرد مؤسسه‌های اعتباری، نظیر ممنوعیت افتتاح حساب، ممنوعیت در اعطای تسهیلات بانکی و ممنوعیت گشایش اعتبارات اسنادی یا صدور ضمانت‌نامه‌های بانکی در متن قوانین مذکور پیش‌بینی شود.

۲. در خصوص مؤسسه‌های اعتباری غیرمجازی که به علت عدم ثبت در اداره ثبت شرکت‌ها فاقد شخصیت حقوقی هستند، مقرراتی تصویب گردد که با مفروض پنداشتن شخصیت حقوقی در مورد آنها، امکان تحمیل مسئولیت کیفری بر آنها را فراهم سازد.

۳. مفهوم و دایره شمول عبارت «نماینده قانونی» در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دقیقاً مورد تبیین قرار گیرد.

۴. در خصوص زمان و نحوه ایجاد شخصیت حقوقی شرکت‌های دولتی از جمله مؤسسه‌های اعتباری دولتی، مقرراتی صریح و شفاف تصویب گردد.

۵. در خصوص عدم لزوم تجویز ارتکاب جرم به نماینده قانونی توسط ارکان تصمیم‌ساز مؤسسه اعتباری به منظور ایجاد مسئولیت کیفری برای مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی، مقرراتی صریح و شفاف توسط قانون‌گذار تصویب گردد.

۶. از طریق اصلاح ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، سازوکار مسئولیت سازمانی برای مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی مورد پذیرش قرار گیرد. به گونه‌ای که مسئولیت کیفری مؤسسه اعتباری به عنوان شخص حقوقی، متوقف بر احراز مسولیت کیفری نمایندگان و اشخاص حقیقی تشکیل‌دهنده آن نباشد.

منابع

- ادابی، میرزاعلی، «ضبط و مصادره اموال در جرایم مربوط به قاچاق از منظر قوانین کشور»، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۸۹.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ سی و دوم، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (شرکت‌های تجارتي)، جلد اول، چاپ دهم، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
- السان، مصطفی، حقوق بانکی، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- الهام، غلامحسین؛ برهانی، محسن، درآمدی بر حقوق جزای عمومی: جرم و مجرم، جلد اول، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۹۴.
- امیدی، جلیل، تفسیر قانون در حقوق جزا، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.
- بهمند، محمد؛ بهمنی، محمود، بانکداری داخلی ۱ (تجهیز منابع پولی)، چاپ نوزدهم، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۹۳.
- پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ نهم، انتشارات سمت، ۱۳۹۳.
- رشیدی، مهدی، بانکداری بین المللی (۱)، چاپ نهم، مؤسسه آموزش عالی بانکداری ایران، ۱۳۹۱.
- رفیع‌زاده، علی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۹۲.
- روح الامینی، محمود، «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در فرانسه»، مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۳۸۷.
- ساجدی، ولی، «قوانین و مقررات حاکم بر مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی»، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۳، ۱۳۸۷.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ بیست و یکم، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۰.
- سلطانی، محمد، حقوق بانکی، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۹۰.
- شریفی، محسن، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۳.
- عیسایی تفرشی، محمد، «مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ قانون تجارت ۱۳۱۱»، فصلنامه مدرس، دوره ۴، شماره ۱، ۱۳۷۹.
- فرج‌الهی، رضا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۸۸.
- قنواتی خلف آبادی، خلیل، نظریه کلی نمایندگی در حقوق ایران و انگلیس، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.

- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ بیستم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۷.
- محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ بیست و دوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- مسعودی، علیرضا، حقوق بانکی، چاپ دوم، انتشارات پیشبرد، ۱۳۸۷.
- مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، چاپ چهارم، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
- میرسعیدی، سیدمنصور، مسئولیت کیفری، جلد اول، چاپ سوم، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.
- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ بیستم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶.
- Doyle, Charles, "Corporate Criminal Liability: An Overview of US Federal Law", Prepared For Members and Committees of Congress, 2013.
- Robinson, Allens Arthur, "Corporate Culture as a Basis for the Criminal Liability of Corporations", Prepared For The United Nations Special Representative of The Secretary-General On Human Rights and Business, 2008.
- Weissmann, Andrew, "A New Approach To Corporate Criminal Liability", American Criminal Law Review, vol. 44, 2011.